

## «مهد آزادی» و تاثیر آن در نهضت ملی شدن نفت

سیدمسعود پیمان\* - یلدا رنجبر خراسانی\*  
زمانه ، شماره ۵۶

ویژگی‌های خاص روزنامه، آن را به صورت ابزاری نیرومند و نافذ در مبارزات ضداستعماری درآورده است. روزنامه «مهد آزادی» که در نیمه سال ۱۳۲۹ به پیشنهاد آیت‌الله کاشانی بعد از مراجعت از تبعید شروع به کار کرد از نمونه‌های موفق استفاده از روزنامه در مبارزات ضداستعماری است. در این نوشتار مواضع «مهد آزادی» و تاثیر آن در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت بررسی شده است.

نخستین هدف از تدوین و تحقیق این پژوهش بررسی کامل انعکاس مبارزات مردم آذربایجان و حوادث مربوط به نهضت ملی شدن صنعت نفت در مطبوعات این خطه است. ما برای دستیابی به آرشیو اسناد مطبوعات به کتابخانه جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه مجلس مراجعه کردیم و به این نتیجه رسیدیم که از مطبوعات آذربایجان در آن دوره تعداد بسیار اندکی موجود می‌باشد، اما با تورق همین تعداد اندک نشریات این منطقه با شگفتی متوجه شدیم که در آن مقطع زمانی در آذربایجان حداقل ۲۶ عنوان نشریه منتشر می‌شده است که البته عمر مطبوعاتی اکثر این نشریات از دو یا سه ماه بیشتر تجاوز نمی‌کرد.

در بین نشریاتی که ختمش مبارزگونه داشتند می‌توان به «قیام ماد» به مدیریت دکتر اسماعیل رفیعیان، «افتخارات ملی» دکتر غنی‌زاده، «منادی» احمدیان، «اختر شمال» سید محمدباقر کروی، «آذرمرد» اشرفی گنج‌ای، «چکاو» برادران و... اشاره کرد. این‌ها مطبوعاتی بودند که روش‌ها و مبارزات پیگیری داشتند. در میان این نشریات، روزنامه «مهد آزادی» تنها نشریه‌ای بود که به دلیل مداومت و استمرار انتشار و در دسترس بودن نسخی بیش از سایرین، دستمایه بررسی حوادث دوران ملی شدن نفت قرار گرفت.

لذا در این مقاله سعی شده است با مطالعه و بررسی آرشیو ۵۶ ساله «مهد آزادی» گوشه‌های پنهان‌مانده و ناگفته‌های نهضت تاریخی پیروزی ملت ایران بر استعمار برای مشتاقان تاریخ پر عظمت ایران بیان گردد. البته به لحاظ اینکه معدوم کردن نسخه‌های «مهد آزادی» لطمه سنگینی به آرشیو روزنامه وارد ساخته فقط از معدودی از شماره‌های «مهد آزادی»، که بیشتر از طریق مرکز مؤسسه مطالعات اسناد انقلاب اسلامی، کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی در دسترس ما قرار گرفته، یا نسخه‌هایی که در خود مؤسسه موجود بوده در نگارش این مقاله استفاده شده است.

اهمیت آذربایجان برای مبارزان و مخالفان ملی شدن صنعت نفت

آذربایجان از دیرباز در پیشینه تاریخ عظیم ایران به دلایل راهبردی و استراتژیک مورد توجه خاص دولتمردان بوده است. در مبارزات ملی شدن صنعت نفت نیز این استان، که آن روزها شامل استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، زنجان و اردبیل امروزی بود، برای هر دو جبهه حق و باطل اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت؛ به طوری که مکاتبات آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، رهبران نهضت نفت، خطاب به مردم آذربایجان و از طریق روزنامه‌های مبارز شهر تبریز بوده است<sup>[۱]</sup> درباریان نیز متقابلاً با درک اهمیت مبارزات آذربایجانی‌ها سرمایه‌گذاری بزرگی برای مقابله با این نیروی عظیم

به عمل می‌آوردند که یک نمونه از آن انتصاب دکتر منوچهر اقبال، یار نزدیک محمدرضا پهلوی، به استانداری آذربایجان بود. اقبال، وقتی از سیاست تطمیع و تحبیب در مورد مطبوعات محلی نتیجه نگرفت، به تهدید و خشونت روی آورد؛ به طوری که ابتدا دفتر روزنامه «آذرمرد»، به مدیریت محمد اشرفی گنجه‌ای، به دست جمعیت فداکاران آذربایجان به آتش کشیده شد و سپس حدود دویست نفر از اوپاش به قصد قتل مرحوم سیداسماعیل پیمان، مدیر روزنامه «مهد آزادی»، به چاپخانه این روزنامه هجوم بردند و آن را تخریب کردند<sup>[2]</sup> که این موضوع را آیت‌الله کاشانی طی نامه‌ای به وزیر کشور اطلاع داد و بدین‌ترتیب انفصال اقبال را در ظرف کمتر از ۴۸ ساعت موجب گشت.<sup>[3]</sup>

دکتر منوچهر اقبال، هرچند از مسند چپاولگری محروم ماند، برای انتقام و رویارویی با مطبوعات مبارز، با ترفندی تازه به صحنه مقابله بازگشت؛ از جمله به یکی از ایادی خود که در امر حمل و نقل و گاراژداری مشغول به کار بود امتیاز روزنامه! «راننده» را می‌دهد که این روزنامه تا حدودی جایگاه روزنامه «فرمان» را، که در تهران چاپ می‌شد، در تبریز داشت و مندرجاتش بیشتر برای اخاذی از افراد و مقامات و ایجاد رعب و وحشت میان روزنامه‌نگاران و مبارزان حق‌طلب بوده است.

«مهد آزادی» و آغاز مبارزات ملی شدن صنعت نفت

روزنامه «مهد آزادی» در نیمه سال ۱۳۲۹ در زمان نخست‌وزیری حکیمی و به پیشنهاد آیت‌الله کاشانی بعد از مراجعت از تبعید، و به قصد حمایت و همراهی با مبارزات مردم آذربایجان و روشنگری و افشا نمودن توطئه‌های بیگانگان شروع به کار کرد.

در واقع روزهای آغازین انتشار روزنامه «مهد آزادی» مصادف بود با سلطه همه‌جانبه استعمار انگلیس و روزهای بیداری و مبارزات پنهان مردم. این روزنامه با درک این وضعیت با هوشیاری خاصی از همان نخستین شماره با به تصویر کشیدن اوضاع اختناق‌آور و حلقه اسارت و بندگی استعمار، افکار عامه را به موضوع غارت نفت توسط بیگانگان متوجه می‌ساخت و به سائقه روش دینی خود برای بیان ضرورت رفع ظلم و حقانیت مبارزه از دیدگاه اسلام در هر شماره با درج احادیثی از ائمه اطهار که متناسب با مبارزات و حال و هوای انقلابی آن روزها بود و همچنین شعار «روش ما احترام به قوانین مقدس اسلام و تأمین آزادی حقیقی است» در بالای لوگوی روزنامه موضع و دیدگاه حقیقی خود را به شفاف‌ترین نحو اعلام می‌کرد.

زمانی که زمزمه روی کار آمدن رزم‌آرا پیش آمد و «مهد آزادی» به طور علنی در سرمقاله‌های خود وی را «چکمه‌پوشی آلت فعل انگلیس» خواند و هشدار داد که «ملت مبارز ایران آرام نخواهند نشست و این عنصر خودفروخته را تحمل نخواهند کرد.» با ترور رزم‌آرا این روزنامه شادمانه از این واقعه استقبال کرد<sup>[4]</sup> و با عناوینی چون «رزم‌آرا هم در دریای سیاه نفت فرو رفت»<sup>[5]</sup> به دفاع از شهید خلیل طهماسبی اقدام نمود تا جایی که اعلامیه آن شهید بزرگوار را نیز چاپ کرد.<sup>[6]</sup>

از این تاریخ به بعد صف‌آرایی مردم مبارز، از یک سو، و تلاش و تهدیدهای دشمنان ملت به سرکردگی دولت انگلیس و درباریان دست‌نشانده و نمایندگان و عوامل آن‌ها در مجلس شورای اسلامی، از سوی دیگر، پررنگ‌تر گشت و به اوج رسید و همزمان با این حرکات لحن «مهد آزادی» و مطبوعات دیگر آذربایجان نیز قاطع‌تر و افشاءکننده‌تر از روزهای پیشین گردید.

با استناد به آرشیو «مهد آزادی» به یقین می‌توان گفت که هیچ یک از شماره‌های این روزنامه از آغاز تأسیس تا به بار نشستن مبارزات نهضت نفت خالی از اعتراض و دغدغه قشر کارگر و دهقان برای ریشه‌کن نمودن استعمار و

اسارت نیست. «مهد آزادی» در جای جای مطالب خود با ذکر تاریخچه‌ای از قراردادهای تحمیلی، از جمله قرارداد ننگین داری،<sup>[17]</sup> و با بیان این مطلب که «باید امتیازاتی را که مسبب این همه بدبختی جامعه می‌باشد از درجه اعتبار ساقط کرد»<sup>[18]</sup> در روشنگری اذهام مردم نسبت به غارت ثروت‌های ملی به دست چپاولگران بیگانه تاثیرگذار بود. بدین ترتیب «مهد آزادی» مرکز تجمع مبارزان راستین و دانشجویان مؤمن و فعال گشت که البته تنی چند از آنها، از جمله دکتر محمدعلی فائق، دکتر جعفر طلوعی و دکتر اقبال‌داری و... هرچند از استان‌های دیگر بودند در سنگر «مهد آزادی» با دشمنان ملت مبارزه می‌کردند.

وقتی که شاه تصمیم گرفت دانشگاه تبریز را به بهانه کمبود امکانات تعطیل کند و چنین استدلال می‌کرد که یک دانشگاه قوی در تهران بهتر از چند دانشگاه ضعیف در سطح کشور است، «مهد آزادی» ضمن مخالفت با این تصمیم، تظاهرات و مبارزات دانشجویان را منعکس کرد و این اقدام را ترفند کثیف دربار خواند و بدین‌گونه طمع دربار را ناکام گذاشت.<sup>[19]</sup>

«مهد آزادی»، به واسطه مبارزات مستمرش، مخصوصاً یکی از هدف‌های عوامل دربار برای حمله و تخریب گشت، اما از سوی دیگر آیت‌الله کاشانی، پیشوای مذهبی نهضت نفت، طی نامه‌ای به سید اسماعیل پیمان، مدیر مبارز روزنامه «مهد آزادی»، از خدمات و مبارزات شایان این روزنامه در یاری رساندن به پیروزی نهضت ملی نفت تقدیر نمود<sup>[10]</sup> که این نامه خود شاهدهی بر تاثیر مطبوعات آذربایجان و بالاخص روزنامه «مهد آزادی» در به ثمر رساندن مبارزات علیه استعمارگران غاصب است.

موضع «مهد آزادی» نسبت به سیاست‌های آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق

آغازین روزهای مبارزه مردم برای ملی شدن صنعت نفت به رهبری پیشوایان مذهبی و ملی، سال‌های شیرینی برای مبارزان و مطبوعات مستقل و حق‌طلب ایران بود. روزنامه «مهد آزادی» نیز در خلال این روزها، با درج حوادث و رویدادهای جامعه، همسو با آرمان‌های مقدس دو پیشوای دینی و ملی خود زبان گویای به ثمر رسیدن نهضت ملی نفت در آذربایجان به شمار می‌رفت.

یکی از حرکت‌های شایان توجه «مهد آزادی» هنگامی بود که دکتر مصدق برای خنثی کردن فشارهای اقتصادی به انتشار قرضه ملی دست زد. در پی آن این روزنامه بی‌وقفه از این قانون حمایت کرد و طی مقاله‌های متعددی مردم را برای کمک به دولت تشویق نمود<sup>[11]</sup> و با درج بیانیه‌ها و تلگراف‌های بسیار وطن‌خواهان آذربایجانی و شهرستان‌های دیگر، در حمایت از دو رهبر مذهبی و ملی مهم‌ترین قدم را برداشت،<sup>[12]</sup> اما به تدریج که علائم اختلاف بین دو جناح ملی و مذهبی رخ نمود مهد آزادی از موضع استقلال رأی و به تبعیت از خواسته مردم آذربایجان سعی کرد مردم را نسبت به توطئه‌های بیگانگان و ضرورت رفع اختلاف‌ها آگاه سازد؛ در واقع در این برهه حساس سعی می‌کرد همچنان هدف مقدس رهایی یافتن از یوغ استعمارگران را با اتحاد و برادری میان دو پیشوای مذهبی و ملی به مردم گوشزد کند؛ به گونه‌ای که در شماره‌های متعدد خطاب به ملت نوشت: «نباید بگذاریم طرفداران خداوندان نفت با ایجاد صحنه‌های رنگین و اختلاف‌های مذهبی و مشاجرات قلمی از آب گل‌آلود ماهی گرفته و به مقصود شوم خود برسند.»<sup>[13]</sup> همچنین قاطعانه فریاد برمی‌آورد که: «هموطنان هوشیار باشید که حکمرانان نفت به تولید نفاق و دوئیت و در نتیجه ایجاد هرج و مرج و برادرکشی مابین ملت ایران دست زده‌اند.»<sup>[14]</sup> تا این که با اوج گرفتن اختلافات، جمعی از روزنامه‌نگاران و نمایندگان مردم تبریز و نیز مدیران جراید ملی این شهر، از جمله سید اسماعیل پیمان، مرحوم اشرفی گنجه‌ای و میرزا علی‌اصغر مدرس و... به ملاقات آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق رفتند.<sup>[15]</sup> اما متأسفانه سیر

حوادث نشان داد برخلاف خواسته نمایندگان تبریز این اختلافات حل نشد و از این تاریخ به بعد اندک‌اندک مطبوعات تبریز به تبعیت از این گروه‌های سیاسی دچار دودستگی شدند و تعداد بسیارشان همچنان در جبهه طرفداری محض از نهضت ملی در تأیید کامل سیاست‌های دکتر مصدق قلم می‌زنند و معدودی از نشریات، که تنها نمونه در دسترس ما روزنامه «مهد آزادی» است، به جناح مذهبی پیوستند و به نشر اندیشه‌ها و اعلامیه‌های آیت‌الله کاشانی دست زدند. البته «مهد آزادی» نیز تا آنجا که به صلاح ملت و نهضت ملی شدن نفت بود سعی می‌کرد از ماحصل این اختلاف‌ها راهی برای اتحاد و پیوستگی دوباره دو رهبر ملی و مذهبی بگشاید، اما در پی تندروی‌های دکتر مصدق و هتاکی و توطئه‌های مغرضان نسبت به آیت‌الله کاشانی، این روزنامه صراحتاً با دکتر مصدق اتمام حجت کرد و خطاب به وی نوشت: «دکتر مصدق نباید اجازه دهد که اشخاص پست و سودجو و شاید خائن، افکار او را نسبت به همکاران خود مشوش سازند و به هیچ وجه نباید بگذارد این اشخاص ناجوانمردانه دشنام‌های دور از انصاف به آیت‌الله کاشانی بگویند.»<sup>[14]</sup>

آیت‌الله کاشانی نیز اگرچه بنا به روایت «مهد آزادی» با خویش‌داری، این اختلاف‌ها را تاب می‌آورد تا نهال شکننده مبارزات مردم برای ملی شدن نفت به ثمر بنشیند، با مشاهده عملکرد ضعیف وی، با سیاست‌های دکتر مصدق مخالفت کرد و طی نامه‌هایی به او یادآور شد: «نتیجه آن همه زحمت و مرارت و رنج مردم بیچاره آن نبود که از قدرت‌هایی که به اختیار دولت جناب‌عالی گذارده شده این همه سوءاستفاده شود.»<sup>[17]</sup> و سرانجام طی اعلامیه‌ای که احتمالاً در جایی غیر از «مهد آزادی» نیز چاپ نشده باشد خطاب به دکتر مصدق گفت: «من و تو به مرحله‌ای از سن رسیده‌ایم که این گونه کارها زینده ما نیست و...!»

عکس‌العمل «مهد آزادی» نسبت به مداخله بیگانگان و توطئه مطبوعات بیگانه‌گرا به استناد صفحات «مهد آزادی»، با شروع زمزمه‌های ملی شدن صنعت نفت سنگ‌اندازی‌ها و تهدیدات دولت‌های بیگانه، مخصوصاً انگلیس، با همراهی تعدادی از مطبوعات مزدبگیر باعث شد سیر نهضت ملی کردن نفت کند شود و تصمیمات دولت جدید در به ثمر نشستن مبارزات مردم عقیم بماند.

«مهد آزادی» این فتنه‌های پنهانی را یکی پس از دیگری برای مردم آشکار می‌کرد و مزدوران قلم به دست دوست‌نما و صحنه‌سازی‌ها و ادعاهای نابجای استعمار غاصب انگلیس را در معرض محاکمه حقیقی مردم قرار می‌داد. این روزنامه در جای‌جای مطالب خود به ملت هشدار می‌داد که «... دستگاه‌های عریض و طویل بین‌المللی و مزدوران اجنبی‌پرست وطن برای مظلوم نشان دادن انگلیس به تلاش افتاده‌اند تا نهضت نفت را عقیم سازند... انگلستان برای منافع خود ناچار است ایران را عقب‌مانده نگه دارد... این دزدان دریایی حاضر نیستند به آسانی چنگال‌های خود را از پیکر ملت ما رها کنند.»<sup>[18]</sup>

روزنامه یادشده برای اینکه انگلستان را، پس از پیروزی نهضت ملی نفت، مستأصل و شکست‌خورده معرفی کند با ابتکار جالبی در همه مطالب خود از انگلستان با عنوان بریتانیای سابقاً کبیر! نام می‌برد.

از سوی دیگر «مهد آزادی» با قاطعیت تمام در مقابل حزب توده – عامل دست‌نشانده اتحاد جماهیر شوروی – نیز، که تلاش می‌کرد با انواع دسیسه‌ها و برای نزدیکی بیشتر به شوروی این ایده را به ملت تحمیل کند که فقط باید نفت جنوب ملی شود، مردم را به هوشیاری دعوت می‌کرد و می‌نوشت: «نفت خون مردم ایران است بنابراین هم نفت جنوب و هم نفت شمال هر دو باید ملی شوند.»<sup>[19]</sup>

اما جدا از همه این توطئه‌ها و دسیسه‌های بیگانگان که در طی تاریخ همیشه برای فریب دادن و در اسارت ماندن همیشگی دولت‌های ضعیف، از جمله ملت ایران، به کار رفته است، «مهد آزادی» در بیشتر سرمقاله‌های خود نگران تفرقه‌افکنی و خیانت بعضی از نشریات مزدبگیر بیگانه و نمایندگان و نیروهای فریب‌خورده خودی بود که آب به آسیاب دشمن می‌ریختند و با بهره‌مندی از سرمایه‌های بیگانگان، برخلاف مصالح ملت و دولت قدم برمی‌داشتند. «مهد آزادی» از این‌ها با نام مزدوران اجنبی‌پرست خائن نام می‌برد و توطئه و تفرقه‌افکنی آن‌ها را خطرناک‌تر از حيله استعمار می‌دانست و می‌نوشت: «مساعی خائنانه خودی‌ها بدتر از بیگانگان است... آن‌ها با وسایل ناجوانمردانه می‌خواهند زبان گویای ملت را ببندند... در قاموس این زالوهای کثیف، صفات حسنه انسانیت و شرافت و استقلال معنایی ندارد»<sup>[20]</sup> و سرانجام خطاب به آن‌ها می‌نوشت: «جنایت دزدان خانگی به مراتب بیشتر از زور و قلدری بیگانگان است.»<sup>[21]</sup> این روزنامه زمانی که با تهدید و تخریب آن‌ها مواجه می‌شد باز هم دست از مبارزه برنمی‌داشت و چنین می‌نوشت: «این‌ها پست‌تر از آن‌اند که «مهد آزادی» را از مبارزه بازدارند. ما از آن روزی که قلم در دست گرفته و به مبارزه با عناصر فاسد برخاسته‌ایم مشکلات بزرگ‌تری را در نظر گرفته و با تمام وجود حاضر بوده و هستیم که این روبهان محیل و گرگان بدسیرت را از آذربایجان برانیم و به یاری خداوند خرطوم این فیل‌های شرکت نفت را قطع خواهیم کرد!»<sup>[22]</sup> در جایی دیگر خطاب به مطبوعات بیگانه‌گرا با نوشتن مقاله «روزی‌نامه‌های بیگانه‌پرست» پرده از چهره واقعی آن‌ها برداشته و نوشته است: «در میان اوراقی که از منزل دانشگر، عضو ایرانی شرکت سابق نفت، به دست آمده معلوم می‌شود چند روزنامه به دلیل اینکه به مبارزات مردم و جبهه ملی ناسزا می‌گفتند از بودجه شرکت سابق استفاده می‌نمودند حتی مقالات قبلاً در آنجا تهیه و بعد در دست روزنامه‌های شریف!! چاپ می‌شد.»<sup>[23]</sup>

بدین ترتیب بیشتر تأسف و خشم «مهد آزادی» از دشمن‌پرستان غنیمت‌خواه بود که به طمع زر و سیم سرمایه‌های ملت را برای کامیابی اربابانشان به هدر می‌دادند و از این رهگذر برای خود بدنامی و برای ملت فلاکت به بار می‌آوردند، و بارها به آن‌ها توصیه می‌کرد: «از یک ایرانی حقیقی دزدی و زمینه‌سازی و بادمجان دور قاب چینی برای دشمنان برارنده و مطلوب نیست.»<sup>[24]</sup>

صراحت لحن «مهد آزادی» در خطاب به شاه و اطرافیان

«مهد آزادی» اصولاً طی تاریخ ۵۷ ساله انتشار خود برخلاف عرف رایج روزنامه‌های آن زمان دیدگاهی منتقدانه و بی‌تفاوتی خاصی نسبت به شخص شاه و سخنرانی‌ها و کارهای مورد پسند دربار داشت؛ به طوری که وقتی آرشیو این روزنامه را مطالعه می‌کنیم، از جار و جنجال‌های شاه‌دوستانه و در بوق و کرنا دمیدن‌ها و بزرگ‌نمایی کارهای شاهانه اثری نمی‌بینیم. روزنامه فوق حتی از شاه يك سایه بی‌عدالتی و گرسنگی و فقر فرهنگی و گمراهی جوانان کشور ترسیم می‌کند که در منجلاز از پیش تعیین‌شده استعمارگران دیده می‌شود و شاه از این فاجعه یا خبر ندارد یا نمی‌خواهد که خبر داشته باشد. «مهد آزادی» این واقعیت را بی‌پرده و صریح و گاه با زیرکی خاصی حتی اگر شده بود از زبان دیگر جراید اعلام می‌کرد که کسانی که اطراف شاه را گرفته‌اند یا «دوستان نادان هستند یا دشمنان دانا؛ چراکه واقعیت‌ها و وضع عمومی مملکت را به میل خود به شاه دگرگون جلوه می‌دهند.» به استناد «مهد آزادی» «شخص شاه، یک دوست حقیقی و یک مشاور نیک‌خواه و فهمیده ندارد.»<sup>[25]</sup> از این گذشته در جای‌جای صفحات خود با استفاده از عبارت «شاه جوان مرعوب!» سعی می‌کرد بی‌پروا به مردم بقبولاند که «این دستگاه ناقص و خراب باید بر سر متولیان و اداره‌کنندگان آن واژگون شود تا نوکران حلقه به گوش آن، که بر روی لاشه‌های جوانان وطن حکمرانی می‌کنند، زیر آن مدفون گردند.»<sup>[26]</sup>

«مهد آزادی» حتی از سرزنش کردن رضاشاه نیز بیم نداشت، به گونه‌ای که علناً می‌نوشت: «رضاشاه فردی دیکتاتور بود که فقط می‌خواست با فکر خود و با زور سرنیزه اصلاحاتی به وجود بیاورد که از قضا به جای اصلاح ابرو، چشم را هم درآورد و جامعه را کور کرد.»<sup>121</sup> در ادامه همین دیدگاه بود که محمدرضاشاه را نیز وارث همین ارباب دیکتاتور معرفی می‌کرد و نتیجه می‌گرفت: «کسانی که به زور متوسل می‌شوند ثابت می‌کنند که خود منطق نداشته و ناحق می‌باشند.» در یکی از شماره‌ها، این روزنامه پا را از دایره خط قرمز دربار بیش از اندازه فراتر گذاشت و با چاپ کاریکاتوری که از داستان موش و گربه عبید زاکانی الهام گرفته بود ملت را چونان گربه و شاه و ایادی دربار، از جمله عباس مسعودی، خویی، امام جمعه تهران، متین دفتری و جمال امامی، را در شکل موش‌هایی که چند تن از آن‌ها در چنگال گربه گرفتار شده‌اند به تصویر کشید و در زیر کاریکاتور این شعر را درج کرد:

شاه گفتا مست بومد اگر... خوردم

که فراوان خورند مستانا

البته ناگفته نماند آن‌گونه که از مطالب «مهد آزادی» برمی‌آید، صراحت لحن و جسارت بی‌پروای انتقادهای این روزنامه به شاه و اطرافیانش، هیچ‌گاه از دید درباریان و مخالفان دور نبود و پیامدهای بسیار خطرناکی، از جمله تهدید به قتل، ارباب، توقیف و... برای مدیر و عوامل روزنامه «مهد آزادی» به وجود آورده بود.

سیاست دربار در قبال مطبوعات مبارز بعد از کودتای ۲۸ مرداد

سیاست کلی دربار با مطبوعات مبارز و منتقد یا بهتر بگوییم - نشریات مخالف خود - بدین صورت بود که مطبوعاتی که صرفاً درج مطالبی ضد درباری اعم از توده‌ای‌ها و مصدقی‌ها اقدام می‌کردند غالباً با توقیف مدیران و فرزندانشان و مواردی از این قبیل مواجه می‌شدند که از میان آن‌ها به‌ویژه می‌توان از مرحوم غنی‌زاده، مدیر روزنامه افتخارات ملی، نام برد که وی را در زندان قزل قلعه تهران در سلول قاچاقچیان و دزدان باسابقه زندانی کردند؛ به طوری که بر اثر سیلی محکم یکی از زندانیان، پرده گوشش پاره شد و تا آخر عمر این کم‌شنوایی را تحمل کرد.

احمدیان، مدیر نشریه منادی، نیز که از بیم دربار لباس زنانه به تن کرده بود دستگیر شد. همچنین دکتر اسماعیل رفیعیان، مدیر روزنامه قیام ماد، در پی تهدید عوامل دربار با پای پیاده از مرند به تبریز آمد و در خانه بیت‌الله جمالی، مبارز همفکر خود، چند روزی مخفی شد، سپس مخفیانه به تهران عزیمت کرد و سالیان سال آتش مبارزه را در دل خود روشن نگه داشت. تا اینکه در دهه ۱۳۴۰، که اندک فضای باز سیاسی به وجود آمد، به صحنه مبارزات مردم بازگشت، اما به علت شناخت دقیقی که دستگاه امنیتی و دربار از وی داشتند با تعویض صندوق‌های آرا مانع راهیابی وی به مجلس شدند.

شاه و درباریان در مواجهه با جراید و افرادی که بیشتر به جناح دینی تعلق خاطر داشتند همانند خود آیت‌الله کاشانی ابتدا با مماشات، وجود آنها را تحمل می‌نمودند و این‌گونه وانمود می‌کردند که با جناح مذهبی کاری ندارند، ولی به تدریج که موقعیت شاه در مملکت به دست بیگانگان تقویت گشت، ایذا و اذیت و توقیف این دسته از روزنامه‌ها را نیز آغاز کردند. روزنامه «مهد آزادی» نیز، که از بدو تأسیس خود به قصد مبارزه دینی منتشر شده بود، پس از چندین بار توقیف موقت و قطع سهمیه آگهی‌های دولتی و اعمال مضیقه‌های متعدد بالاخره در دهه ۱۳۴۰ به دستور کتبی و مستقیم شخص شاه لغو امتیاز گردید و مدیران و نویسندگان و حتی عده‌ای از کارگران چاپخانه آن نیز به زندان افتادند و خود سید اسماعیل پیمان و چند نفر از نویسندگان مهد آزادی در دادگاه نظامی شاه به محاکمه کشیده شدند.

پیروزی کودتای ۲۸ مرداد و تداوم راه «مهد آزادی»

«مهد آزادی» همگام با مردم ایران همواره واقعه تحسین‌برانگیز پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ را شادمانه به تصویر می‌کشید و از آن به عنوان پیروزی بزرگ و عیدی تاریخی و فراموش‌نشده یاد می‌کرد، حتی پس از شکست نهضت و پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در سرمقاله شماره نوزده سال ۱۳۳۳ تحت عنوان «عزای ملی ما فرا رسید» اوج ناخشنودی و تأسف خود را اعلام کرد و خطاب به خوانندگان نوشت: «دو سه سال پیش در چنین هنگامی ما با قانون ملی شدن نفت کمی دل خوش داشتیم و عید تاریخی ۲۹ اسفند، که با اراده ملت نصیب ما شده بود، نروز را برای ما شادی‌افزاتر می‌کرد، اما امروز با عقب‌نشینی در مبارزه نفت، عزای ملی ما فرا رسیده است و ما امروز را، که دستاورد ملت ایران به تاراج رفته و ثروتش به کام بیگانگان می‌ریزد، روز عزای ملی می‌خوانیم.»

با این همه می‌بینیم «مهد آزادی» حتی بعد از شکست نهضت نیز دست از مبارزاتش برنداشت و همچنان با نوشتن مقالات کوبنده، استقرار اوضاع اختناق‌آور، فلاکت مردم جامعه، عقب‌نشینی و دست کشیدن آن‌ها از مبارزات و قدرت یافتن استعمارگران را عزای ملی تلقی کرد.

«مهد آزادی» هدف توطئه‌گران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

همان‌گونه که اشاره شد، بعد از شکست و سقوط دولت دکتر مصدق و عقب‌نشینی بسیاری از جراید و مبارزان از ادامه مبارزات، «مهد آزادی» با حملات شدیدتری مواجه شد. در این میان عمال دربار سعی می‌کردند نقطه ضعفی از «مهد آزادی» و شادروان سید اسماعیل پیمان پیدا کنند، اما تلاششان به جایی نرسید که البته این امر به مدد یکی از مردان صدیق و مبارز، سروان محسن اردبیلی، افسر آگاهی شهر تبریز، که خود مقالات کوبنده‌ای در حمایت از مبارزات مردمی در «مهد آزادی» نوشته بود، انجام شد، بدین صورت که بعد از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد این افسر صدیق و روشنگر چون می‌دانست اگر نسخه‌های روزنامه «مهد آزادی» به دست مأموران و فرمانداران نظامی بیفتد، عواقب سختی در پی خواهد داشت، با علم به این موضوع تمام آرشیو مطبوعات را که در اداره آگاهی شهربانی تبریز موجود بود به منزل برد و سوزاند؛ به طوری که عمال رژیم حتی از یافتن یک نسخه از «مهد آزادی» که در آن به شاه حمله شده باشد ناموفق ماندند و فقط یکی از مخالفان سرسخت این روزنامه فوق‌العاده «مهد آزادی» بعد از شکست کودتای ۲۵ مرداد را که با تیتیر «شاه به اتفاق ثریا به بغداد فرار کرد» در روزنامه درج شده بود به دست آورد و از آن دستاویزی ساخت و ادعای نامه‌ای علیه روزنامه «مهد آزادی» تقدیم دادگستری نمود که این توطئه با یاری خداوند و مساعدت مرحوم افتخار هشتروندی، قاضی شریف دیوان عالی کشور، خنثی گشت و روزنامه «مهد آزادی» تبرئه گردید.

پی‌نوشت‌ها

\* مدیر موسسه مهد آزادی تبریز

\* روزنامه‌نگار روزنامه مهد آزادی

- [1] \_ از جمله در ش ۲۳ (۲۵ بهمن ۱۳۲۹)، ش ۲۹ (اول اردیبهشت ۱۳۳۰)، ش ۳۱ (۳۰ خرداد ۱۳۳۰)، ش ۴۲ (۲۷ شهریور ۱۳۳۰) و ...
- [2] \_ سرمقاله «دستگاه رذل‌پرور دکتر اقبال و مهام از چافوکش‌های پرورش‌یافته خود بهره‌برداری می‌کند»، ش ۴۰ (۶ شهریور ۱۳۳۰).
- [3] \_ مقاله «استانداری آقای دکتر اقبال در آذربایجان خاتمه یافت»، ش ۴۲ (۲۷ شهریور ۱۳۳۰).
- [4] \_ مقاله «وطن در خطر نیست ملت هم در خطر نیست بلکه خائنین در خطرند»، ش ۲۹ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰).
- [5] \_ مقاله «بررسی جراید»، ش ۱۹ (۲۳ دی ۱۳۲۹).
- [6] \_ مقاله «خلیل طهماسبی از زندان دادگستری اعلام می‌دارد»، ش ۳۷ (۱۹ مرداد ۱۳۳۰).
- [7] \_ سرمقاله «انعکاس رد قرارداد الحاقی در آذربایجان»، ش ۱۳ (۹ آذر ۱۳۲۹).
- [8] \_ م. ح دریانی، «آنهایی که از ماوراء اقیانوس‌ها و پشت پرده نقشه استعمار ایران را طرح می‌کند باید بدانند سرنوشت و مقدرات ایران به دست ایرانی تعیین و اداره خواهد شد»، ش ۳ (۶ مهر ۱۳۲۹).
- [9] \_ برای آگاهی بیشتر از تلاش‌های «مهد آزادی» در مخالفت با این تصمیم رک: رحیم نیکبخت، همان، ص ۸۴.
- [10] \_ دستخط آیت‌الله کاشانی، ش ۴۰ (۶ شهریور ۱۳۳۰).
- [11] \_ مقاله «قرضه ملی»، ش ۲۴ (۲۷ تیر ۱۳۳۰).
- [12] \_ از جمله در ش ۲۷ (۳۰ اسفند ۱۳۲۹)، ش ۳۱ (۳۰ خرداد ۱۳۳۰)، ش ۳۴ (۲۷ تیر ۱۳۳۰)، ش ۳۹ (۳۰ مرداد ۱۳۳۰)، ش ۴۲ (۲۷ شهریور ۱۳۳۰).
- [13] \_ سرمقاله «مبارزات نفتی مشاجرات قلمی»، ش ۱۷ (۱۰ دی ۱۳۲۹).
- [14] \_ مقاله «چند کلمه با مخالفین دولت دکتر مصدق»، ش ۳۶ (۱۰ مرداد ۱۳۳۰).
- [15] \_ شرح کامل این دیدار تاریخی در شماره ۲۶ تابستان ۸۲ «مجموعه تاریخ معاصر ایران» طی مصاحبه با مهندس سید مسعود پیمان مدیر فعلی روزنامه مهد آزادی به تفصیل بیان شده است.
- [16] \_ نظری به وقایع هفته پیش «اختلافات»، ش ۱۲۰ (۴ تیر ۱۳۳۲).
- [17] \_ «نامه مجدد آیت‌الله کاشانی به نخست‌وزیر»، ش ۱۱۸ (۲۰ خرداد ۱۳۳۲).
- [18] \_ مقاله «دیوان استعمارطلبان»، ش ۳۳ (۱۶ تیر ۱۳۳۰).
- [19] \_ مقاله «بررسی جراید»، ش ۲۶ (۱۹ اسفند ۱۳۲۹).
- [20] \_ مقاله «قرضه ملی و فنودال‌های خواب‌آلود»، ش ۱۲ (۵۳) (۱ بهمن ۱۳۳۰).
- [21] \_ مقاله «لجاجت تا چه حد؟! بی‌شرمی تا چه پایه؟!» از خادم، ش ۳۳ (۱۶ تیر ۱۳۳۰).
- [22] \_ مقاله «اولیای امور خواب‌آلود آذربایجان باید بدانند که با تولید این‌گونه کارشکنی‌ها نمی‌توانند ما را از مبارزه مقدسی که در پیش گرفته‌ایم باز دارند»، ش ۲۵ (۱۲ اسفند ۱۳۲۹).
- [23] \_ مقاله «روزی نامه‌های بیگانه‌پرست!»، ش ۳۲ (۱۲ تیر ۱۳۳۰)، ص ۴.
- [24] \_ مقاله «دزد بازار آشفته می‌خواهد»، ش ۲۸ (۱۲ مرداد ۱۳۳۰).
- [25] \_ مقاله «بررسی جراید»، ش ۴۳ (۴ مهر ۱۳۳۰).
- [26] \_ ج. ترابی‌نژاد، «ملتی که نیروی اراده خود را از دست بدهد سند اسارت و بندگی خود را امضا نموده است»، ش ۳ (۶ مهر ۱۳۲۹).
- [27] \_ مقاله «فساد اجتماع را اجتماع اداره می‌کند نه فرد، بخوانید و عمل کنید»، ش ۱۱۸ (۲۰ خرداد ۱۳۳۲).



